



فاطمه ذات تمام خوبی‌ها و مادر تمام نیکی‌ها

فرمود فاطمه مهین بانوی زنان در دو جهان است. فرمود فاطمه پاره ی تن من است. فرمود او جان و دل من است که در سینه قرار دارد.

فرمود فاطمه مهین بانوی زنان در دو جهان است. فرمود فاطمه پاره ی تن من است. فرمود او جان و دل من است که در سینه قرار دارد. فرمود او نور چشم و میوه ی دل من است. فرمود و هر کس او را به خشم آورد، مرا به خشم آورده است. هر گاه فاطمه را دید؛ همه را متوجه دیدار کرد؛ دیدار! دیدار، یعنی شهود! دیدار، یعنی اشراق! دیدار، یعنی عشق؛ یعنی حضور؛ یعنی تجلی؛ یعنی ظهور!

فاطمه ذات تمام خوبی‌ها و مادر تمام نیکی‌ها فرمود فاطمه مهین بانوی زنان در دو جهان است. فرمود فاطمه پاره تن من است. فرمود او جان و دل من است که در سینه قرار دارد. فرمود او نور چشم و میوه ی دل من است. فرمود و هر کس او را به خشم آورد، مرا به خشم آورده است. هرگاه فاطمه را دید؛ همه را متوجه دیدار کرد؛ دیدار! دیدار، یعنی شهود! دیدار، یعنی اشراق! دیدار، یعنی عشق؛ یعنی حضور؛ یعنی تجلی؛ یعنی ظهور!

به گزارش «تابناک»؛ همان گونه که گفته اند، معرف باید بالاتر از معرف باشد، تا بتواند او را به خوبی بشناساند. تنها مقام شامخ نبوت و صاحب ولایت می توانست و می تواند نسبت به بانوی باوقار مدینه سخن بگوید. آنچه آمد، تنها نکاتی اندک از سخنان رسول خدا(ص) درباره ی حضرت زهرا(س) است.

برای پیامبر(ص) دیدن علی و زهرا، یک عبادت است، ثواب است؛ ثوابی که مسیر پیامبر(ص) را به درب خانه ی دخترش می رساند. حضرت فاطمه (س) در چند فضیلت از همگان برتری داشت و این همگان تنها زنان و دختران پیامبر(ص) نبودند؛ بلکه از تمام خویشان و اصحاب و یاران پیامبر(ص)، به جز مولای متقیان حضرت علی(ع) بافضیلت تر بود.

فاطمه ذات تمام خوبی‌ها و مادر تمام نیکی‌ها

پندار حضرت زهرا(س)

چه کسی می تواند برای زهرا(س) دوران خوش کودکی را معنا کند؟ گویی او برای همیشه بزرگ و سترگ آفریده شده است! آنگاه که هم سن و سالانش آزادانه بازی می کردند؛ او و خانواده اش در ازدحام خشم شیاطین، به فرجام اسلام می اندیشیدند. بسیاری از احادیث تنها انعکاس دهنده ی رفتار پیامبر(ص) با حضرت زهرا(س) در مدینه و بعد از ازدواج او با حضرت علی(ع) هستند؛ اما عشق پیامبر(ص) به زهرا(س)، نمی تواند بعد از هجرت اتفاق افتاده باشد. اصلاً تصور تکامل زمانی و جسمی برای حضرت صدیقه(س) نمی تواند مصداق درستی باشد؛ چرا که باید تکامل فکری او را در حد و اندازه خود ایشان بررسی کرد. شخصیتی که جزء معصومین است باید به علم «لدنی» هم دست رسی داشته باشد!

معصوم یک واژه ی انتزاعی نیست که در جنسیت مختلف، متفاوت عمل کند؛ بلکه به دلیل بهره مندی از یک منبع فیض فراتر از زمان و مکان، جنس و جسم و موقعیت و وضعیت، عمل می کند. ایمان حضرت زهرا(س)، از بطن مادر تا بطن خاک، همانی بود که خداوند مقدر فرموده بود و عشق پیامبر(ص) از ازل تا ابد نسبت به حضرت زهرا(س) همان بود که همیشه مژه ی «لولاک لما خلقت الافلاک» داشت. پندار توحیدی حضرت زهرا(س) از جنس تعلیم بشری نبود؛ چرا که یک نفر آن هم در هفت سالگی با تعلیم و تعلم به آن چنان مقام والا نمی رسد.

ایمان توحیدی، عبادت، نجابت، عصمت، عفت، شجاعت، غیرت دینی، سخاوت، عطا و .. چیزهایی نبودند که آن‌ها را حضرت در طول ٦ سال آموخته باشد، بلکه با جان و دل او، با ذره ذره وجود او آمیخته شده بود. شاکله وجودش بازتاب آیه ی تطهیر بود؛ آیه ای که بزرگ ترین سند افتخار اسلام در بازشناسایی فطرت آدمی، فراتر از ابعاد جسمی و جنسیتی اوست. به خاطر همان موضوع پیامبر(ص) حدیث ثقلین را فرمود و عترت خود را در کنار قرآن معرفی کرد. آنان صورت عملی اسلام و چهره ی واقعی قرآن بودند. حضرت زهرا(س) جوهره ی اصلی شریعت نبوی و ولایت علوی است؛ نه امتیازهایی که به واسطه ی قرابت یا عبادت برای ایشان فرض کرده اند.

رفتار فردی حضرت زهرا(س)

تربیت فرزندان توسط حضرت زهرا(س) به عنوان یک بانوی برآمده از متن اسلام، خود یک الگو برای آموزش نسل های بعد بود؛ تا برحسب آموزه های وحیانی و قرآنی زندگی کنند. زندگی خانواده های شهرنشین در عصر ظهور اسلام، متأثر از شرایط سیاسی اجتماعی عصر خود بود و فقدان دانش گرایی در عربستان، آن ها را به سمت فریب و زیرکی، تجارت، خشونت، و امارت و حکومت، سوق می داد. عمده ی اشخاص حاضر در شهرها را افراد زیرک و باهوش که تاجر و اهل حساب و کتاب بودند؛ تشکیل می داد و افراد عشیره نشین و صحرانشین را افراد خشن، کم طاق و کم معلومات! تقریباً همه یا سیاه بودند یا خاکستری و تنها افراد سفید قریش، طایفه ی بنی هاشم بود که آبا و اجدادی پیرو دین حنیف ابراهیمی، و موحد بودند و در آن ها نیز فقط اخلاق حسنه و فتوت، امتیاز چشم گیری به شمار می آمد.

تنها خانواده ای که به نص قرآن کریم از تمام آلودگی های ظاهر و باطن برکنار بودند، همانا خانواده ی پیامبر(ص)، حضرت زهرا(س) و امام علی(ع) و فرزندان ایشان است. خانه ی حضرت زهرا(س)، تنها خانه ای بود که جز مهر و عطوفت و جز شوق عبادت، هیچ یک از عوارض دنیاطلبی را نداشت. از قناعت تا انفاق از کرامت تا سخاوت، از عصمت و عفت تا حکمت و رحمت؛ گویی تمام فضایل اخلاقی را تنها خداوند به این خانواده داده است؛ از بذل تبسم تا رفع حاجت، از نیک خواهی تا نیک گویی، از صداقت تا هدایت!

بانویی با ده سال سن، چنان از کمال و آراستگی معنوی بهره می برد که در همسایگی مسجد، همانند مسجد مقدس می شود. آن هم زمانی که تنها پنج سال از جامعیت دین اسلام می گذرد و مدینه ای که آینده از اقوام مختلف است و هر روز افراد تازه ای را به خود می بیند و عدم بهره مندی آن از یک فرهنگ و رفتار اجتماعی الگو، سبب شده تمام نگاه ها به سوی عترت حضرت رسول(ص) باشد.

در جامعه ای که ده ها سال با خشونت، خشم و دشنام زندگی کرده و زنان را حتی کم تر از احشام خود فرض کرده است؛ خانواده ای آمد که کرامت زن خانواده نه تنها به اندازه ی مرد، که بالاتر از او و والاتر از هر کسی جز پیامبر(ص) است.

بانویی ده یا پانزده ساله که قرآن را تفسیر کند؛ علم و اخلاق را تعلیم دهد؛ شوهرداری و بچه داری کند؛ تمام کارهای منزل را خودش انجام دهد؛ اهل رعایت حقوق خدا و خلق خدا باشد و حق پیامبر(ص) و حق وصی(ع)، فرزند، اقوام و همسایه را درست به جا آورد؛ کار خود را با کنیزش تقسیم کند. در نهایت جوانی و طربناکی خویشتن دارترین دختر و همسر روزگار باشد؛ به جای این که او به زندگی مادی دیگران رشک برد، دیگران به زندگی معنوی او رشک برند؛ چنان زندگی خویش را مدیریت کند که هم پدر از او راضی باشد، هم شوهر، هم فرزندان از او خشنود باشند، هم خویشان و زیردستان، شاهکار خلقت عالم است.

فاطمه(س) دختر فرمانروای شهر است؛ اما به کسی فرمان نمی دهد و برای امور شخصی خویش به کسی یا کسانی امر نمی کند. اگر بخواهد تمام شهر در اختیارش است؛ اما برای جلب رضایت خدا و پیامبرش نهایت دقت و مراقبت را دارد. بالاترین عظمت دخت پیامبر(ص) اخلاق کریمه ی اوست. اخلاقی که از لحاظ معنوی، آموزشگارش خداوند، قرآن کریم و حالات و روحیات زهرایی اوست. اگر او یکی از مطرح ترین چهره های اسلام است، تنها به واسطه ی قرابت نیست. توانایی های فردی او، نه تنها از اجتماع درس نمی گیرد که به اجتماع برای رسیدن به کمال، درس می دهد.

رفتار اجتماعی حضرت زهرا(س)

از لحاظ رفتار سیاسی، حضرت زهرا(س) را می توان یکی از بزرگ ترین زنان سیاسی جهان اسلام نامید. مردم پیش از جریان سقیفه، حضرت زهرا(س) را به عنوان دخت پیامبر(ص) و همسر امیرمؤمنان و امام حسن و حسین(ع) می شناختند و شناخت شان محدود به اعمال عبادی و اخلاقی و نجابت نژادی حضرت می شد؛ اما بعد از جریان سقیفه دیگر صحبت حضرت زهرا(س) از حقوق خود و از اطرافیان نبود، بلکه این بار، حق خداوند از زبان یک زن جاری می شد؛ زن کامله ای که بهتر از تمام صحابی از حق خدا و رسولش آگاه بود. حضرت فاطمه(س) از «آگاه ترین مردمان» زمان خود نسبت به حقایق اسلام بودند.

ما حضرت فاطمه(س) را «الگو» معرفی می کنیم و سیره ی ایشان را به نفع افکار و اعتقادات خود، صادره می کنیم؛ در صورتی که سیره و رفتار و کردار ایشان فراتر از باورهای محدود امروزی و دیروزی ماست. ایشان را نسبت به عمل کرد همانندش باید سنجید، در جایی که کم ترین شخص را در قرون اعصار می توان یافت که «قرین» ایشان باشد. به همین خاطر است که «سیده نساء العالمین» است. ایشان در رفتار و کردار نسبت به آحاد مردم جهان برتری و سروری دارند. اگر چنین نبود، رسول خدا(ص) دست های او را نمی بوسید و خطاب به او نمی فرمودند: «فداها ابوها!»

ولایت ایشان در رفتار و پندار و کردار سایه بر همه دارد؛ نه جنسیت خاص و نه سن خاص! حضرت زهرا(س) به عنوان یکی از معصومین(ع) از منزلتی برخوردارند، که جایگاه هیچ یک از مخلوقات زمینی و آسمانی نیست! عنصر وجودی ایشان برتر از عناصر اربعه است و «نور» تنها جوهر خلقت اوست! اگر چنین نبود، «آب» مهریه ی او نمی شد! اگر چنین نبود، «خاک» مزار فرزندش، مهر نماز نمی شد! اگر چنین نبود، «آتش» بر او حرام نمی شد. اگر چنین نبود، «باد» عطر عصمتش را در بهشت نمی پراکند! و جهان شیعه بامدادان و شامگاهان، لب به ترنم دل انگیز «حی علی خیرالعمل» نمی گشود.

کوردلان جاهلیت که نمی توانستند شاهد اوج گیری نام حضرت فاطمه(س) در آسمان دل ها باشند. حضرت فاطمه(س) را تنها با چند نخل خرما «فدک» می سنجند؛ غافل از آن است که آفاق خاکی و افلاکی؛ حتی عاجز از تصور شکوه حضرت فاطمه(س) و فرزندان اویند. جایی که قرآن در شأن آن ها می گوید: «ان الله یامر بالعدل والاحسان و ایتاء ذی القربی» وقتی درباره ی این آیه از امام محمدباقر(ع) سؤال شد، ایشان فرمودند: «عدل یعنی وجود مبارک رسول خدا(ص) و احسان یعنی حضرت علی(ع) و ذی القربی حضرت فاطمه(س) و فرزندان بی نظیر ایشان است.»

هم چنین درباره ی آیه «الذین یقولون ربنا هب لنا من ازواجنا و ذریاتنا قره اعین وجعلنا للمتقین اماما» حضرت امام صادق(ع) می فرمایند: «منظور آیه ما اهل بیت هستیم.» آری، تنها این واژه ی لولا که نیست که مقدس ترین وظیفه را به عهده گرفته است؛ آنچه از درخت و گیاه تا ستاره و ماه، در ملکوت است، ضمن تسبیح آفریدگار حیات، به تعظیم و تکریم مقام شامخ اهل بیت(ع) می پردازند. فاطمه ذات تمام خوبی ها و مادر تمام نیکی هاست. فاطمه، فقط «فاطمه» است...

منابع:

-العطاردی، عزیزالله، مسند فاطمه الزهرا(س)، انتشارات عطارد، 1412.
-قمی، حاج شیخ عباس، منتهی الامال، ج اول، چاپ پانزدهم، انتشارات هجرت، 1382.